



Sociological investigation of social deviations in Al-Teliani novel based on Hirschi's theory of social control

Fatemah Parchekani¹, Salman Azmoon Ali Abad*²

¹ Associate Professor in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

² PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
17/01/2025

Accepted:
17/02/2025

Investigating social deviations is a part of sociological studies that studies the deviation of people from the norms and restrictions of society. Several approaches have been formed in this field to investigate social deviations, which has resulted in the emergence of various theories. In the meantime, Hirschi's social control theory, as the most prominent theory in the field of social control, sees deviance as the result of the lack or weakness of social control elements that cause the disconnection of the individual with society. Today, social novels reflect the reality of society and show many social deviations to the audience. "Al-Teliani" novel, written by Shukri Al-Mabkhout, winner of the 2015 Arab Booker Prize, reflects some of the perversions in society with a deep look. For this reason, the present research, relying on the descriptive-analytical method and the findings of Hirschi's social control theory, has investigated the mentioned novel with the aim of understanding social deviations and their causes. The results show that issues such as desecration, betrayal, divorce and promiscuity are often affected by the lack of dependence (especially emotional) and the lack of commitment of people to their social group, which family relationships play the main role in it has. So that the strained relationship between the individual and the family is the main reason for breaking her bond with the society and leading her to deviance. Also, by paying attention to the position of the family and some neglected issues such as sexual abuse of children and lack of proper family care for them, the author seeks to inform the society and explain the effect of these issues on the deviance of people in adulthood.

Keywords: *Social deviation, Hirschi's control theory, Al-Teliani novel, Shukri Al-Mabkhout.*

Cite this article: Parchekani, F. & Azmoon Ali Abad, S. (2025). *Sociological investigation of social deviations in Al-Teliani novel based on Hirschi's theory of social control*, year1, issue2, Pp 249-272. DOI: 10.22034/jisall.2025.517453.1067

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



***Corresponding Author:** Salman Azmoon Ali Abad

Address: PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

E-mail: salman@khu.ac.ir



بررسی جامعه‌شناختی کجروی‌های اجتماعی در رمان الطلیانی بر اساس نظریه کنترل

اجتماعی هیرشی

فاطمه پرچگانی^۱، سلمان آزمون علی‌آباد^{۲*}

^۱ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۲۸

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۱/۲۹

بررسی کجروی‌های اجتماعی، بخشی از مطالعات جامعه‌شناسی است که انحراف افراد از هنجارها را مطالعه می‌کند. نظریه‌های متعددی در این حوزه شکل گرفته است که نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، بارزترین آن‌ها می‌باشد. این نظریه، کجروی را نتیجه فقدان یا ضعف عناصر کنترل‌گر اجتماعی می‌داند که موجب گسست فرد از جامعه می‌شوند. او چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشارکت و باور را عناصر کنترل‌کننده افراد در جامعه معرفی می‌کند. امروزه رمان‌های اجتماعی با توجه به انعکاس واقعیت‌های جامعه، بسیاری از کجروی‌های اجتماعی را به مخاطب نشان می‌دهند. رمان الطلیانی، نوشته شکری المبخوت، برندهٔ جایزه بوکر عربی سال ۲۰۱۵م، برخی از کجروی‌های موجود در جامعه را به شیوه‌ای برجسته منعکس کرده است. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و یافته‌های نظریه مذکور با هدف شناخت کجروی‌های اجتماعی و اسباب آن‌ها ونحوه بروز آن‌ها در روایت داستان، به بررسی رمان الطلیانی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند که مسائلی از قبیل رفتار حرمت‌شکنانه، خیانت، طلاق و بی بند و باری، اغلب متأثر از فقدان عنصر وابستگی و عدم تعهد، رخ داده‌اند و روابط متشنج بین فرد و خانواده، عامل اصلی کجروی می‌باشد. نویسنده با اهتمام به خانواده و برخی مسائل مورد غفلت مانند آزار جنسی کودکان و عدم مراقبت درست از آن‌ها، در پی آگاهی بخشی به جامعه و تبیین تأثیر این مسائل بر کجروی افراد در بزرگسالی است.

کلمات کلیدی: کجروی اجتماعی، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، شکری المبخوت، رمان الطلیانی.

استناد: پرچگانی، ف. آزمون علی‌آباد، س. (۱۴۰۳). بررسی جامعه‌شناختی کجروی‌های اجتماعی در رمان الطلیانی

بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۴۹-۲۷۲.

DOI: 10.22034/jisall.2025.517453.1067



حقوق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

مسأله کجروی‌های اجتماعی در مطالعات جامعه‌شناختی همواره مورد اهتمام جدی جامعه‌شناسان بوده است. اینکه علل کجروی‌ها و عدم پابندی به ارزش‌های جامعه چیست یا اینکه کجروی‌ها از کجا نشأت می‌گیرد، سؤالاتی است که دیدگاه‌های مختلفی در پاسخ به آن شکل گرفته است. از آن جمله، دیدگاه کارکردگرایی^۱ در تبیین کجروی‌های اجتماعی می‌باشد. این دیدگاه به جای توجه به خود، به طور کلی جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد و به دنبال کشف خواستگاه کجروی‌ها در جامعه است. (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۲۷) در راستای این دیدگاه، نظریاتی شکل گرفته که نظریه کنترل اجتماعی هیرشی یکی از آنها است. نظریه کنترل اجتماعی بیان می‌کند که اعمال کنترل اجتماعی بر افراد سبب هم‌نوایی ایشان با جامعه خواهد شد و از کجروی‌ها جلوگیری خواهد نمود. (همان: ۱۳۳) به اعتقاد هیرشی هر گونه کجروی در جامعه معلول گسستی است که بین فرد و جامعه اتفاق افتاده است.

در گستره ادبیات، امروزه رمان‌ها به ویژه رمان‌های اجتماعی و واقع‌گرا، بسیاری از مسائل اجتماعی را در خود منعکس می‌کنند که به نحوی در پی آسیب‌شناسی جامعه هستند؛ زیرا رمان به دلیل گستردگی میدان دید و پرداختن به واقعیت‌ها و جزئیات آن، می‌تواند زندگی را با تمام افت و خیزها بازنمایی کند. (برتنس، ۱۳۸۷: ۳۱) در این میان، رمان الطلیانی، برندهٔ جایزه بوکر عربی سال ۲۰۱۵، نوشته شگری المبخوت تونسلی به عنوان یک رمان اجتماعی و واقع‌گرا به وضوح نمایانگر کجروی‌های فرد در جامعه مد نظر، تونس، است؛ طوری که شخصیت اول، طلیانی و شخصیت‌های مهم دیگر همگی در آن به نحوی دچار کجروی و خروج از نرّم جامعه هستند که در سراسر رمان نمایان است.

پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و نگاه جامعه‌شناختی با استفاده از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی در صدد تبیین مهم‌ترین کجروی‌های اجتماعی در رمان الطلیانی می‌باشد تا از این راه نگاه نویسنده به کجروی‌های مطرح شده، روشن شود و شناختی از جامعه مد نظر و مسائل آن به عنوان نمونه‌ای از جوامع مشابه به دست آید. در راستای بررسی جامعه‌شناختی کجروی‌های اجتماعی در این رمان، می‌توان آن‌ها را آسیب‌شناسی نمود و به عوامل و پیامدهای آن‌ها پی برد و قدمی برای حل مسائل جامعه برداشت. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- مهم‌ترین کجروی‌های اجتماعی در رمان الطلیانی چه مواردی هستند و چگونه نمود یافته‌اند؟

- بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، چه عواملی سبب کجروی‌های اجتماعی در رمان الطلیانی هستند و چه عواملی بیشترین تاثیر را بر کجروی‌ها دارند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در بین مطالعات انجام شده بر روی رمان الطلیانی، پژوهشی که به بررسی کجروی‌های اجتماعی در این رمان بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی پرداخته باشد، یافت نشد. اما پژوهش‌های دیگری رمان مذکور را از جنبه‌های متفاوت و نظریه مذکور را در زمینه‌های دیگر مطالعه نموده‌اند که برخی از آن‌ها ذکر می‌شوند.

- یحیی، رنده (۲۰۱۶) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «عنف اللسان في رواية الطلياني لشكري المبخوت دراسة في ضوء نظرية الأنساق الثقافية» به راهنمایی مراد قفی در دانشگاه محمد بوضیاف المسیله، الجزایر، پدیده خشونت زبانی را در رمان الطلیانی بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که خشونت زبانی به عنوان یک پدیده گسترده در جامعه تونس، به کثرت در رمان مذکور یافت می‌شود. خشونت در سطح خانواده نیز جریان دارد که در شخصیت فرد در اجتماع بازتاب می‌یابد.

- میرزایی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر اهواز» که در مجله جامعه پژوهی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۳، به بررسی تاثیر پیوند اجتماعی افراد در قانون‌گریزی آنان بر اساس نظریه هیرشی پرداخته‌اند. ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان پیوند افراد با جامعه و میزان قانون‌گریزی، رابطه معناداری وجود دارد و از میان ابعاد نظریه هیرشی، بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری جامعه بیشترین سهم را در انحراف از قانون دارد.

- سعدونی، خولة و رحمة قعقاع (۲۰۱۸م) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «صراع الأفكار في رواية الطلياني لشكري المبخوت» به راهنمایی سعیده حمداوی، دانشگاه العربی بن مهیدی أم البواقی، الجزایر به بررسی درگیری اندیشه‌های موجود در رمان پرداخته‌اند و بیان می‌دارند که رمان مذکور نمود کاملی از افکار سیاسی وقت جامعه تونس را ارائه داده و نویسنده در خلال داستان به مقبول و یا باطل بودن آن‌ها پرداخته است.

- شفازاده، احمد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان « بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن» در مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۳۳، به بررسی شباهت‌های نظریه مذکور با قرآن کریم پرداخته و بیان می‌دارد که مسائلی چون حمایت عاطفی، تعهد به خانواده، دینداری و ...

که به تقویت پیوند فرد با جامعه کمک خواهند کرد، نقاط مشترک قرآن کریم و نظریه مذکور می‌باشند.

- باوان پوری، مسعود و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «نشانه‌شناسی ارتباط غیر کلامی در رمان الطلیانی اثر شکری المبخوت» که در مجله لسان مبین، سال ۱۱، شماره ۳۸، صفحه ۱-۲۲ به انتشار رسیده، نشانه‌های ارتباط غیر کلامی از قبیل حالات چهره، حالات چشم و ... را در رمان الطلیانی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده از حالات چهره بیشترین بهره را برده و از آن برای القای مفاهیمی از قبیل ترس، رضایت، تمسخر، تحقیر و ... استفاده نموده است.

- قلیچ پاسبه، آشور و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مؤلفه‌های جنسیت در رمان الطلیانی شکری المبخوت از دیدگاه کاترین حکیم» در مجله لسان مبین، سال ۱۳، شماره ۴۸، صفحه ۸۵-۱۰۷ به بررسی مؤلفه‌های سرمایه جنسیتی در رمان الطلیانی شکری المبخوت پرداخته‌اند و بیان می‌دارند که مقوله‌های زیبایی، سرزندگی و جذابیت جنسی در بین زنان و نیز مقوله‌های جذابیت جنسی و مؤلفه‌های اجتماعی در بین مردان از بسامد بالایی در داستان برخوردار است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. کجروی اجتماعی

کجروی یک میل انسانی است که در طبیعت او ریشه دارد؛ در واقع انسان موجودی نیست که بدون مقاومت در برابر ذات خویش، مطیع قوانین باشد. (المعایته، ۲۰۲۱م: ۲۶۱) در بعد اجتماعی، کجروی به رفتارهای منع شده در اجتماع اطلاق می‌شود که برداشت‌ها یا توقعات هنجاری نظام-های اجتماعی را نقض می‌کند و بر خلاف آداب و رسوم و عرف حاکم جامعه است. در واقع کجروی به رفتاری اطلاق می‌شود که عرف جامعه و مردم قویا آن را رد می‌کنند. از همین رو، کجروی به وسیله عکس العمل اجتماعی به یک عمل که از هنجارهای اخلاقی و یا مقررات حاکم تخطی کرده، مشخص می‌شود. (سلیمی؛ داوری، ۱۳۸۵: ۵۴؛ صدیق سروسستانی، ۱۳۸۵: ۹) بر اساس این معیار جامعه افرادی را که هماهنگ با ارزش‌ها و هنجارها باشد را هم‌نوا و سازگار و اشخاصی را که هماهنگ نباشند، ناهم‌نوا می‌خواند. افرادی که ناهم‌نویی آن‌ها زود گذر نباشد و ادامه یابد، کجرو یا منحرف نامیده می‌شوند و رفتار آن‌ها کجروی اجتماعی خوانده می‌شود. (ستوده، ۱۳۸۵: ۳۱) بنابراین هر نوع خروج افراد از هنجارها کجروی است، اما زمانی یک فرد، کجرو نامیده می‌شود که یک رفتار ناهنجار در وی مستمر باشد.

۲-۲. کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی مجموعه شیوه‌های فرهنگی است که یک جامعه برای کنترل به هم ریختگی و درگیری به آن تکیه می‌کند (عبد الرحمن، ۲۰۰۰م: ۲۷) و به مجموعه عواملی گفته می‌شود که جامعه به صورت محسوس یا نا محسوس در جهت حفظ معیارهای خود به قصد جلوگیری از کجروی به کار می‌برد. (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۳) اصطلاح کنترل اجتماعی را نخستین بار ادوارد راس (۱۹۵۱-۱۸۶۶) یکی از پدران جامعه‌شناسی آمریکایی به کار برد و در ادامه، نظریه‌پردازانی چون سامنر آمریکایی و دورکیم به بحث و بررسی در مورد آن پرداختند. (کوزر؛ روزنبرگ، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۸) نظریه کنترل اجتماعی به دنبال دستیابی به علل هم‌نوایی افراد با معیارها و ارزش‌های جامعه است؛ چون معتقد است عوامل هم‌نوایی همان‌هایی هستند که سبب جلوگیری از کجروی اجتماعی می‌شوند. طرفداران نظریه کنترل اجتماعی به رفتار مجرمانه در جامعه توجه می‌کنند و نه به سازگاری افراد در آن؛ زیرا عقیده دارند که مردم فقط به این دلیل سراغ رفتار مجرمانه نمی‌روند که جامعه قادر است رفتار آنان را کنترل کند. (تاجریان، ۱۳۹۴: ۲۳) در مسیر تکمیل نظریه کنترل اجتماعی، یکی از منسجم‌ترین نظریات در این حوزه را هیرشی ارائه کرد و عناصر چهارگانه آن را معرفی نمود.

۲-۲-۱. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

کنترل اجتماعی به عنوان یک نظریه در تبیین کجروی‌های اجتماعی از جامعه‌شناسی کارکرد گرا برخاست. یکی از معروف‌ترین این نظریات، نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی (۱۹۶۹م) می‌باشد. هیرشی معتقد است کجروی زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. او فرد کجرو را فردی می‌داند که از قیود اجتماعی آزاد است و یا به آن‌ها اعتنایی ندارد. (مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۰) هیرشی در کتاب خود تحت عنوان "علل بزهکاری" در مورد کنترل اجتماعی الگویی را ارائه کرد که با نام نظریه پیوند نیز شناخته می‌شود. او «کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد». (سلیمی؛ داوری، ۱۳۸۵: ۳۹۱) نظریه کنترل بیان می‌کند که هر چه قدر تعلق و پیوند میان اعضای جامعه قوی باشد، آن جامعه به میزان بیشتری توانایی کنترل اعضاء را در عدم بروز کجروی خواهد داشت. بنابراین هر چه همبستگی میان جوانان، والدین، بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیشتر علاقه‌مند به فعالیت‌های مقبول جامعه خواهند شد و هر چه اعتقادات و نگاه محیط اجتماعی را قبول کنند، کمتر کجرو و مجرم خواهند شد. (هلاکویی، ۱۳۵۶: ۲۱۸) در همین راستا، هیرشی چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشغولیت و باور را عناصر پیوند دهنده افراد یا کنترل‌کننده رفتار معرفی می‌کند.

۲-۲-۱-۱. وابستگی

از نظر هیرشی پایه و اساس درونی کردن هنجارها در جامعه، وابستگی به دیگران است. وقتی فرد وابستگی زیادی به اعضای گروه داشته باشد، کمتر دچار بزهکاری و انحراف می‌شود. قوی‌ترین شکل این وابستگی، وابستگی به والدین و خانواده و سپس نزدیکان است. در حالت پیوند فرد به خانواده خصوصاً به والدین، توجه فرد به توقعات ایشان، سبب توجه وی به توقعات جامعه خواهد شد. (مشری؛ شرفه، ۲۰۱۷: ۲۸۷) اکثر افراد همواره تلاش می‌کنند تا کاری نکنند که موجب ناراحتی و شرمندگی عزیزانشان شود. چنین احساسی نسبت به جامعه نیز تسری پیدا می‌کند. «پس اگر فردی به تمایلات و انتظارات دیگران اهمیت ندهد و نسبت به نظرات و عقاید آنها بی تفاوت باشد، در آن صورت پیوند او با جامعه ضعیف خواهد بود و فرد خودش را آزاد می‌بیند که مرتکب انحراف شود.» (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰) در واقع وابستگی نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را به رعایت ارزش‌های اجتماعی ملزم می‌کند. هیرشی وابستگی را هم‌پایه وجدان می‌داند. (مشکانی؛ مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۰) نخستین نمود وابستگی فرد در جامعه، پیوند عاطفی با اعضای خانواده است. پس اگر کانون خانواده سرد و بی روح و عاطفه باشد و فرد از محبت پدری و مادری محروم شود، این امر اثرات نامطلوبی بر کجروی فرزندان خواهد داشت. (ستوده، ۱۳۸۵: ۴۲) بنابر این، روابط غیر عاطفی، قوانین سفت و سخت و تشنج در محیط خانواده، سبب پیوند ضعیف عاطفی با خانواده و با جامعه خواهد شد.

۲-۲-۱-۲. تعهد

مفهوم تعهد در این نظریه به معنی ترس از رفتارهای هنجارشکنانه است. یعنی فرد به نسبت رفتارهای متعارفی که انجام داده و جایگاهی را از این لحاظ در گروه به دست آورده و یا آوازه مثبتی را برای خود ساخته است، از رفتارهای انحرافی دوری می‌کند، زیرا با نقض هنجارها، ضرر بزرگی خواهد کرد و جایگاه خود را از دست خواهد داد. زیرا اگر فرد به فکر انجام رفتار ناهنجار بیافتد، باید خطرات از دست دادن سرمایه‌گذاری‌های رفتاری خود را نیز بپذیرد. این مسأله در نهایت باعث تعهد به گروه می‌شود. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰) بنابراین فرد به نسبت چیزهایی که به دست آورده و یا امید دارد که به دست آورد، به جامعه متعهد می‌شود. آنگاه او با احساس تعهد به گروه، در رفتارهایش نسبت به گروه نیز احساس مسؤولیت دارد و برایش قابل پذیرش نیست که پیامد یک رفتار متوجه گروه شود. تعهد از نظر هیرشی هم‌پایه عقل سلیم است؛ از همین رو فردی که خود را به قیود اجتماعی متعهد بداند، کمتر ریسک عبور از قراردادهای اجتماعی را می‌پذیرد. پایبندی به دستورات مذهبی و حفظ شئون خانوادگی یا ملی نمونه‌ای از عنصر تعهد است.

(مشکانی؛ مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۰) به این معنی که فرد اعتقادات، خانواده و ملیت را برای خود نوعی دارایی می‌داند که حاضر به از دست دادن آن نیست.

۲-۲-۱-۳. مشارکت

این عنصر حاکی از آن است که فرد در جامعه به قدری به فعالیت‌های به‌هنگار و متعارف و نقش‌های اجتماعی مشغول است که دیگر فرصت نمی‌کند به کجروی کشیده شود. هیرشی بیان می‌کند که کودکی که پینگ پونگ بازی می‌کند، در استخر عمومی شنا می‌کند و تکلیفش را انجام می‌دهد، دست به اعمال بزهکارانه نمی‌زند. در مورد عنصر مشارکت این تفکر قابل تصور است که دست بیکار کارگاه شیطان است. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲) حال اگر فرد در امور صحیح مشارکت نداشته باشد، مجال کجروی برایش بیشتر مهیا خواهد بود؛ به بیان دیگر مشغول نبودن فرد به امور به‌هنگار، وی را به امور ناهنگار سوق خواهد داد.

۲-۲-۱-۴. باور

این عنصر بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و ارزشی و وفاداری او به آن‌ها است. هیرشی بیان می‌کند که اگر فردی واقعا باور داشته باشد که مشارکت در فلان رفتار درست نیست، انجام آن رفتار برایش دور از تصور خواهد بود. در مقابل افرادی که باور ضعیفی نسبت به به‌هنگارها دارند، بیشتر آن‌ها را نادیده می‌گیرند و اقدام به کجروی می‌کنند. (سلیمی؛ داوری، ۱۳۸۵: ۳۹۲) باور به نیکو کاری، آبروداری و باور به معیارهای دینی از مثال‌های عنصر باور هستند. در مورد تفاوت دو عنصر تعهد و باور باید توجه داشت که ممکن است فرد مثلاً به دستورات دینی باور داشته باشد ولی به آن متعهد و پایبند نباشد. بنابراین دو عنصر مذکور هر یک می‌تواند تاثیر متفاوتی را در رفتار فرد داشته باشند.

۲-۳. خلاصه رمان

روایت، از زبان دوست شخصیت اول است. داستان از جایی شروع می‌شود که طلیانی (عبد الناصر)، شخصیت اول داستان در مراسم تدفین پدرش اقدام به ضرب و شتم امام جماعت مسجد، شیخ علّاله می‌کند و حادثه‌ای شرم آور برای خانواده رقم می‌زند. طلیانی (ایتالیایی)، لقبی است که به عبد الناصر به خاطر چهره ایتالیایی‌اش، داده‌اند. راوی بیان می‌کند که او در سنین کودکی، یکبار که در کوچه مشغول بازی بوده توسط شیخ علّاله، خادم خانه جنینه که امور مسجد را انجام می‌دهد و بعدها امام جماعت می‌شود، مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد. طلیانی در نوجوانی بعد از آنکه برادرش به سوئیس می‌رود، کمی مستقل می‌شود اما روابط ملتهدی با خانواده دارد. در این ایام

چنینه که اکنون همسر شیخ علّاله شده، به خاطر اختلاف با علّاله به خانه طلیانی می‌آید و مانند یکی از اعضای خانواده‌شان می‌شود. او با طلیانی نوجوان، روابط جنسی برقرار می‌کند که تا سه سال ادامه دارد. طلیانی در رشته حقوق وارد دانشگاه می‌شود. در آنجا در خلال گفتگوهای حزبی با دختری به نام زینت، دانشجوی فلسفه، آشنا می‌شود. زینت از ماجرای آزار جنسی‌اش توسط یکی از اعضای خانواده‌اش به طلیانی می‌گوید. آن‌ها با هم ازدواج می‌کنند. اما زینت شرط می‌کند که تا زمانی که به درجه استادی برسد و از رساله‌اش دفاع کند، ازدواجشان مخفی بماند. زینت در ایام زندگی با طلیانی به شدت به درس و دانشگاه مشغول است. آن‌ها در سفری به سوئیس می‌روند. طلیانی در آنجا به خاطر بی‌توجهی‌های زینت با خواهر همسر برادرش، انجلیکا ارتباط نامشروع برقرار می‌کند. طلیانی در ابتدای زندگی شغلی ندارد، اما بعدها در یک روزنامه دولتی مشغول می‌شود. با توجه به مشغله‌ها رابطه او با زینت سردتر می‌شود. زینت مادرش را از دست می‌دهد. در روزهایی که به خاطر فوت مادرش در روستا به سر می‌برد، طلیانی در وسایل او نامه‌ای پیدا می‌کند که نشان می‌دهد با فردی فرانسوی ارتباط عاطفی دارد. در این ایام او با نجلاء دختر خاله زینت که طلاق گرفته است، رابطه نامشروع برقرار می‌کند. در یکی از روزها زینت به طلیانی اعلام می‌کند که سقط جنین نموده است. این مسأله باعث می‌شود تا طلیانی به بی‌بند و باری و میگساری پردازد. سپس زینت از او طلاق می‌گیرد و به فرانسه می‌رود. بعد از آن طلیانی بیش از پیش به شرب خمر و روابط افسار گسیخته با زنان، مبادرت می‌کند تا جایی که خبر فوت پدرش را می‌شنود و به مراسم تدفین می‌رود.

۲-۴. بررسی کجروی‌های اجتماعی بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

مهم‌ترین کجروی‌های اجتماعی که در رمان الطلیانی مورد اهتمام نویسنده است، شامل مواردی از قبیل: رفتار حرمت شکنانه، روابط پنهانی و خیانت، بی‌بند و باری و میگساری، آزار جنسی کودکان و طلاق که نتیجه برخی از انحرافات است، می‌باشد.

۲-۴-۱. رفتار حرمت شکنانه

منظور از رفتار حرمت شکنانه به عنوان کجروی اجتماعی در رمان الطلیانی، حادثه‌ای است که در آن شخصیت اول داستان، عبد الناصر (طلیانی)، در لحظه تدفین پدرش، امام جماعت مسجد، شیخ علّاله را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد: «عبدُ النَّاصِرِ یُوجِّهُ ضَرْبَةً بِجَدَاءِ الْبُرُودِکَانَ إِلَى وَجْهِ الْإِمَامِ الَّذِي كَانَ فِي الْحُفْرَةِ يَسْتَعِدُّ لِدْفِنِ الْمَرْحُومِ ... دَخَلَ عَبْدُ النَّاصِرِ فِي حَالَةٍ هَيْبَانَ صَارِحًا يَرْمِي الْإِمَامَ الشَّيْخَ عَلَّالَةَ بِأَقْدَعِ النُّعُوتِ ... ارتمی علیه یُریدُ إِشْبَاعَهُ لَكَمَا وَرَبَّمَا نَوَى خَنْقَهُ لَوْلَا أَنَّنِي [راوی] انْتَزَعْتُهُ مِنْهُ» (المبخوت،

۲۰۱۴: ۷). نویسنده این حادثه را به عنوان گره اولیه داستان قرار داده و اولین کجروی‌ای می‌باشد که مخاطب را با آن رو به رو می‌کند تا او را با حیرت از این رفتار حرمت شکنانه به ادامه داستان جذب کند. این رفتار از شخصیت اصلی داستان در حالی است که او از خانواده‌ای با شأن اجتماعی بالا است و این رفتار او، آن هم در مراسم تدفین پدر، موجب آبروریزی و کسر شأن خانواده شده است: «فَقَدْ تَرَكَهُمْ أَضْحُوكَةً بَيْنَ النَّاسِ بَعْدَ كُلِّ الاحْتِرَامِ وَالتَّقْدِيرِ وَكُلِّ الإِجْلَالِ وَالْعِزِّ» (همان: ۱۲). از طرف دیگر امام جماعت احترام بیشتری نسبت به فردی عادی دارد؛ از همین رو این رفتار طلیانی به عنوان یک کجروی اجتماعی در داستان به شکلی برجسته، مطرح شده است. بر اساس داستان رمان، این رفتار طلیانی به خاطر کینه‌ای است که او از کودکی بابت آزار جنسی از شیخ علاله دارد. اما اینکه طلیانی چنین رفتاری را بدون توجه به جایگاه خانواده‌اش و در چنین لحظه حساس و خاصی، انجام داده است بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، ناشی از عدم تعهد او نسبت به خانواده است؛ یعنی چون او به خاطر روابط تیره با خانواده هیچ جایگاه خاصی در آن برای خودش احساس نمی‌کند، بنابراین هیچ وقعی به ارزش‌های خانواده و آبروی آن نمی‌نهد و بدون رعایت شأن خانواده به ضرب و شتم شیخ علاله، که موجب بی‌آبرویی خانواده خواهد شد، اقدام می‌کند. از طرف دیگر، عنصر وابستگی نیز در طلیانی نسبت به خانواده بسیار ضعیف است که عاملی دیگر در این کجروی است. او رابطه عاطفی سردی با خانواده دارد. پدر او را به خاطر رفتارهایی که برایش قابل پذیرش نیست همواره توبیخ می‌کند و از او می‌خواهد از برادر بزرگترش تبعیت کند. برای مثال در حادثه‌ای (که به بیان راوی داستان در ذهن طلیانی نقش بسته است) طلیانی با برادرش صلاح الدین مشاجره می‌کند. پدر وارد ماجرا می‌شود و رفتاری تحقیر آمیز با طلیانی دارد: «حادثهٔ مازال صداها یرنُ فی اذنیه إلى الآن ... صَرَخَ سی محمود فی وجه ابنه الأصغر: متی ستکف عن وقاحتک وانت تتحدّث إلى سیدک خوک. [الطلیانی: لیس لی سید ولسئ عبداً لأحد. لقد ترکت أخلاق العبیّد لکم. [الأب: إخرس یا کلب» (همان: ۱۶-۱۷) مادر طلیانی نیز زنی سخت‌گیر و غیر عاطفی است. در رمان توصیفات مختلفی دال بر این امر ملاحظه می‌شود: «سیده البیت الحدیدیه»/ «الأم القویة»/ «أمه المتسلطه»/ «الأمرة الناهیة» (همان: ۸ و ۱۲ و ۱۸ و ۳۲) این در حالی است که طلیانی هرگز مطیع مادر نیست: «لم یخرج فی الواقع من طوعها إلا عبد التاصر» (همان: ۱۲) طلیانی رابطه ملتهبی با مادر دارد؛ از طرفی مادرش با ویژگی‌های سلطه‌گرانه از او راضی نیست: «یا ربی متی یصبح هذا الخنزیر بشراً مثل بقیة الخلق» (همان: ۳۴) از طرف دیگر طلیانی نیز تسلط مادر را نمی‌پذیرد: «فإنه لا یسکت عن تحقیر أمه له وهو أول شخص فی البیت تجراً علیها وأطاح بسلطتها المطلقة» (همان: ۳۴) از همین رو پیوند عاطفی ضعیفی بین طلیانی و مادرش برقرار است. او رابطه بسیار سرد و گسسته‌ای به لحاظ عاطفی با خانواده دارد. بنابراین فاقد عنصر وابستگی است؛ فقدان‌هایی که به

نوبه خود سبب شده تا او بدون در نظر گرفتن ناراحتی خانواده و امکان آسیب دیدن آنها، اقدام به ضرب و شتم امام جماعت کند.

با نگاهی دیگر، می‌توان این کجروی را متأثر از عدم باور طلیانی به ارزش‌های دینی جامعه نیز دانست؛ با این توضیح که امام جماعت بر اساس نگاه دینی از احترام مقدس‌گونه‌ای برخوردار است. اما اینکه طلیانی بدون توجه به این احترام، اقدام به هتک حرمت وی نموده، بر اساس عنصر باور در نظریه کنترل اجتماعی می‌تواند ناشی از عدم اعتقاد وی به ارزش‌ها و هنجارهای دینی نیز باشد. چرا که در داستان ملاحظه می‌شود که طلیانی اعتقادی به امور دینی ندارد. او در مراسم نماز میت بر جنازه پدرش در صف نماز نیست. دای طلیانی از او می‌خواهد تا آبرو داری کند و کنار برادر در صف بایستد، اما او پاسخ می‌دهد که همه می‌دانند که من نماز نمی‌خوانم و روزه نمی‌گیرم: «عَيْبُ، التَّحَقُّ بِأَخِيكَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ مَاذَا يَقُولُ عَنَّا النَّاسُ؟ أَسْتُرْنَا عَلَى الْأَقْلَى يَوْمَ دَفْنِ وَالِدِكَ. نَهْرَةَ عَبْدِ النَّاصِرِ مَمْتَعِضًا حَانَقًا: تَعْرِفُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَنِّي لَا أَصَلِّي وَلَا أُصُومُ» (همان: ۶) یا در صحنه دیگری او موقع قرائت فاتحه و دعا، بر خلاف همگان، دستش را باز نکرده است: «لَمْ يَسْطُرْ عَبْدُ النَّاصِرِ يَدِيهِ عِنْدَ تَلَاوَةِ الْفَاتِحَةِ وَتَرَدِيدِ الْأَدْعِيَةِ دُونَ بَقِيَةِ الْخَلْقِ الْمَتَحَلِّقِينَ حَوْلَ الْقَبْرِ وَالتَّابُوتِ.» (همان: ۶) نویسنده با آوردن این توضیحات در صدد ابراز عدم باور و تعهد طلیانی به شؤون دینی است.

۲-۴-۲. روابط پنهانی و خیانت

بارزترین کجروی در رمان الطلیانی، مسأله روابط پنهانی و خیانت است؛ طوری که غالب شخصیت‌های محوری داستان به آن مبتلا هستند.

در این رمان شخصیت اول از دوران نوجوانی درگیر روابط مخفیانه است. او در نوجوانی با جنینه همسر شیخ علائه وارد رابطه می‌شود. در این مورد، کجروی اجتماعی بیشتر متوجه جنینه است. جنینه روابط بد و ناسازگارانه‌ای با همسرش دارد: «فَقَدْ أَصْبَحَتْ تَرَاهُ شَيْطَانًا رَجِيمًا، تَصْرُخُ فِي وَجْهِهِ كَلِمًا رَأَتْهُ، تَضْرِبُهُ بِكُلِّ مَا تَجِدُهُ أَمَامَهَا» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۳۳۴) از همین رو اکثر اوقات را در خانه طلیانی می‌ماند، زمانی که او در دوره نوجوانی است: «أَصْبَحَتْ جَنِينَةُ تَقْضِي يَوْمَهَا فِي بَيْتِ الطَّلِيَانِيِّ تَفْعَلُ بِالصَّبِطِ مَا تَفْعَلُهُ أُخَوَاتِهِ» (همان: ۳۳۳) در این ایام روابط نامشروعی بین او و طلیانی شکل می‌گیرد که تا چند سال ادامه دارد: «أَنَّ لِلَّ جَنِينَةَ أَصْبَحَتْ مُدْمَنَةً عَلَى جَسَدِ الْفَتَى» (همان: ۳۴۰) این انحراف از جانب جنینه با توجه به روایت داستان برآمده از دو عامل اساسی است؛ یکی اینکه جنینه هیچ علاقه‌ای به علائه ندارد و او را از خودش پایین‌تر می‌داند که در رفتار او با همسرش کاملاً نمایان است؛ بنابراین هیچ وابستگی عاطفی‌ای به او ندارد. دوم اینکه ازدواج او با علائه فقط

به خواست پدرش بوده است. حال آنکه جنینه به برادر طلیانی، صلاح الدین، علاقه‌مند بوده است که از سخن طلیانی به برادرش برداشت می‌شود: «أَتَكْمَا كُنْتُمَا عَاشِقَيْنِ» (همان: ۲۰) از همین رو جنینه برای زندگی مشترک خود با علّاله هیچ ارزشی قائل نیست. در واقع او این جایگاه خود را چیزی نمی‌داند که خودش به دست آورده باشد و برایش مهم باشد؛ بنابراین هیچ تعهدی به رابطه زناشویی با علّاله ندارد.

از موارد رفتارهای پنهان‌کارانه، جریان ازدواج طلیانی با زینت است که به درخواست زینت مخفی می‌ماند: «قَبِلْتُ عَرَضَ عَبْدِ النَّاصِرِ بَعْقِدِ الْقِرَانِ شَرِيطَةً أَنْ يَبْقَى ذَلِكَ سَرًّا بَيْنَهُمَا إِلَى أَنْ تَتَضَخَّ مَعَالِمُ حَيَاتِهِمَا فَيُسَوِّيَانِ الْوَضْعَ» (همان: ۱۲۱) امر ازدواج مسأله‌ای نیست که فرد بخواهد بدون نظر و توجه و هشیاری خانواده به آن اقدام کند. چنین رفتاری از جانب زینت و به تبع آن طلیانی بیانگر آن است که فرد هیچ اهمیت و جایگاهی برای خانواده قائل نیست و نظر آن را مهم نمی‌داند. بی شک این مسأله با توجه به داستان رمان متأثر از گسست عاطفی‌ای است که بین زینت و خانواده و طلیانی و خانواده‌اش اتفاق افتاده است. سبب عدم تعهد و وابستگی طلیانی به خانواده پیش از این بیان شد اما در خصوص زینت، در داستان ملاحظه می‌شود که هیچ‌گونه پیوند عاطفی و احساسی بین او و پدرش وجود ندارد. برای مثال وقتی که زینت در نوجوانی در خوابگاه درس می‌خواند و برای مسأله‌ای، پدرش را به مدرسه فرا می‌خوانند، پدر هیچ حمایتی از او نمی‌کند و هیچ ارزشی برایش قائل نمی‌شود: «أَجَابَ الْأَبُ الْمَدِيرَ بِأَنَّ زَيْنَةَ ابْنَتُهُ وَلَهُ كَامِلُ الصَّلَاحِيَّاتِ وَالتَّمْوِيضَاتِ لَصْرِبِهَا وَقَتْلِهَا إِنْ شَاءَ» (همان: ۴۷) زینت مگر اندکی با مادر، با خانواده ارتباط عاطفی ندارد؛ طوری که بعد از مرگ مادرش نیز ابراز می‌کند که دیگر ارتباطش با روستا قطع شده است: «لَقَدْ انْتَهَى آخِرُ رَابِطٍ لِي بِالْقَرْيَةِ... أَمَّا الْبَقِيَّةُ فَلَا عِلَاقَةَ لِي بِهِمْ» (همان: ۲۳۵) بر همین اساس زینت نیز مانند طلیانی هیچ وابستگی و تعهدی نسبت به خانواده ندارد و این دو عامل او را به انجام این رفتار کجروانه (ازدواج مخفیانه) سوق داده است.

در رابطه زناشویی طلیانی با زینت، ارتباط عاطفی آن دو بیشتر به شکل احترام است تا صمیمیت. به ویژه زینت که هیچ‌گونه وابستگی به لحاظ احساسی به رابطه‌شان ندارد. زیرا هدف او از رابطه و ازدواج مخفیانه با طلیانی اتمام دروس و رسیدن به استادی بود، همانگونه که برای ازدواج شرط کرده بود: «أَلَحَّتْ عَلَيَّ شَرْطُ إِكْمَالِ بَحْثِهَا وَاجْتِيَازِ مَنَاظَرَةِ التَّبْرِيْزِ كَخَطِّينِ أَحْمَرَيْنِ» (همان: ۱۲۱) در مورد ارتباطشان از زبان راوی نیز، بیان می‌شود که طلیانی مصمم به رابطه، اما زینت مصمم به اتمام کارش می‌باشد: «فَهُوَ مُصَرٌّ عَلَيَّ عِلَاقَتِهِمَا وَهِيَ مُصَرَّةٌ عَلَيَّ اِتِّمَامِ عَمَلِهَا» (همان: ۱۴۳) بر همین اساس وقتی که آن‌ها برای تفریح به سوئیس نزد صلاح الدین می‌روند، زینت برای اینکه

مباحث رساله خود را دنبال کند از حضور در برخی برنامه‌ها امتناع می‌کند: «اعتذرت زینة بأسلوب لا یخلو من بعض الحدیة علی البرنامج» (همان: ۱۳۵) در چنین شرایطی که انتظار می‌رود زوجین دائم در تفریح و کنار هم باشند، زینت به دنبال امور درسی خود است. در همین زمان، طلیانی باخواهر همسر برادرش، انجلیکا، هر چند کوتاه وارد رابطه نامشروع می‌شود: «ترک لها القیاد. ظلَّ یَتَّبِعُها فیما تَریدُ فَعَلَهُ» (همان: ۱۳۹). سیر داستان چنین به مخاطب القا می‌کند که عدم همراهی زینت و توجه او به طلیانی سبب می‌شود که او دچار این کجروی شود. این مسأله در نظریه کنترل هیرشی به عنصر مشارکت برمی‌گردد. یعنی به خاطر عدم همراهی زینت، چون طلیانی به اموری که باید مشغول شود، مشغول نیست، موقعیت برای او برای این کجروی مهیا شده است.

در ادامه زندگی، عدم توجه زینت به طلیانی پررنگ‌تر می‌شود. او دائما در حال مطالعه و بررسی دروس است: «وهی ناشرة أوراقتها وکُتِبَها علی طاولة المطبخ» (همان: ۱۴۴) و بعد از آنکه طلیانی در یک روزنامه مشغول به کار می‌شود، ارتباط آنها فقط شکل هم‌خانه بودن به خود می‌گیرد: «أصبحَ الزَّواجُ مَجْرَدَ مَساکِنَةٍ بَینَ صَحْفَیِّ... و بَینَ صاحِبَةِ الحِکْمَةِ [زینة]» (همان: ۱۶۰) بعد از این هر یک از آن دو دنبال امور خود هستند و توجه‌شان به هم بسیار کم می‌شود. در چنین حالتی شکاف ارتباطی بینشان زیاد می‌شود. در این ایام طلیانی با نجلاء، دختر خاله زینت، ارتباط نامشروع برقرار می‌کند. در واقع او اهمال زینت را اینگونه جبران می‌کند: «ذَاوِی الطلیانی دمازَ نَجلاءَ و تَدَاوِی بها مِن إهمالِ زینة لها». (همان: ۱۹۰) چنین رفتار کجروانه‌ای از یک طرف متأثر از کاهش وابستگی خصوصا به لحاظ عاطفی در طلیانی نسبت به زینت است که با غفلت و بی توجهی زینت شکل گرفته است که این مسأله در سخنان طلیانی به او کاملا نمایان است: «ذَكَرَ لها أَنَّهُ لَمْ یَرَ منها یوماً ما تولیه المرأة الحق، حبیبةً أو زوجةً أو صاحبةً من عنايةٍ وملاطفةٍ ورعايةٍ واهتمامٍ واتباعٍ لَمَنْ یُقاسمُها الحیاة. تکتفی بکُتِبَها ومستقبلها المهني والعلمي علی حسابِ» (همان: ۱۹۳) این رفتار، از طرف دیگر نیز به اصل مشارکت برمی‌گردد؛ با این توضیح که وقتی زینت طلیانی را در امور زندگی مشترک همراهی نمی‌کند و او را رها کرده است، در واقع او را نسبت به این که بتواند در امور صحیحی مشارکت داشته باشد محروم نموده است و در نتیجه فضا برای کجروی و خیانت وی فراهم شده است. اهمال زینت مسأله‌ای است که نویسنده آن را به عنوان یک آسیب مد نظر دارد و با توجه به سیر داستان، آن را عامل مستقیم انحراف طلیانی مطرح می‌کند. برای مثال این مسأله، از گفتگوی نجلاء با زینت بر می‌آید: «أفهمتَ زینةً أَنها أهملتَ الطلیانی فلا لومَ علیه إذا بحثَ عن مُتعتِهِ لدی الأخریات» (همان: ۲۴۵) نویسنده از این طریق در پی تفهیم این نکته است که اهمال فرد در رابطه زناشویی، منجر به بروز کجروی در طرف دیگر شده است. علاوه بر طلیانی، زینت نیز درگیر رابطه مخفیانه

است. او در حالی که با طلیانی زندگی می‌کند با فردی فرانسوی به نام اریک.ش ارتباط عاطفی دارد. طلیانی این قضیه را با پیدا کردن نامه‌ای در وسایل زینت متوجه می‌شود: «وَجَدَ ظَرْفًا عَلَيْهِ طَبْعٌ بَرِيدِيٍّ مِنْ فَرَنْسَا... بِطَاقَةٍ بَرِيدِيَّةٍ... كُتِبَ فِي وَسْطِهَا: ... تَهَانِي الْخَاصَّةُ بِنَجَاحِكِ فِي مَذَكَّرَةِ الْبَحْثِ فِي اَنْتِظَارِ التَّبْرِيْزِ. نَلْتَقِي، قُبَلَاتِي. اِرِيك. ش. عَرَفَ السَّبَبَ الَّذِي يَجْعَلُهَا لَا تَقْبَلُ وَاقَعَ زَوَاجِهِمَا». (همان: ۲۱۴-۲۱۵) زینت به طور مستمر با این فرد ارتباط دارد: «يْتَرَا سَلَانَ. اِمْتَنَعَتْ اَكْثَرَ مِنْ مَرَّةٍ عَنْ مُلَاقَاتِهِ ... لَمْ يَقْطَعْ الصَّلَاةَ بِهَا». (همان: ۲۸۹) این رفتار انحرافی از زینت به عدم وابستگی او نسبت به طلیانی و عدم تعهدش نسبت به ازدواجی که کماکان مخفی مانده است، بر می‌گردد. زیرا هدف او از ازدواج با طلیانی همانطور که بیان شد، درس و استادی بوده است و زندگی با طلیانی را ابزاری برای رسیدن به خواسته‌هایش قرار داده است: «الطُّمُوْحُ الْجَامِحُ الَّذِي يُعْمِي بَصِيْرَةَ زَيْنَةَ» (همان: ۱۹۲) بنابراین وابستگی چندانی به طلیانی ندارد و تعهدی نسبت به زندگی با او احساس نمی‌کند، زیرا این رابطه را چیز ارزشمند یا دست‌آوردی نمی‌بیند که بخواهد بدان وفادار بماند و یا برایش مهم باشد. مؤید این عدم وابستگی و تعهد در زینت حادثه دیگری است که در آن زینت بدون اطلاع دادن به طلیانی و توجه به حق وی، اقدام به سقط جنین می‌کند؛ آنجا که طلیانی او را در این قضیه محکوم به خودخواهی می‌کند: «أَتَهْمُ زَيْنَةَ بِالتَّفْكِيرِ فِي مَصْلَحَتِهَا الشَّخْصِيَّةِ دُونَ مِرَاعَاةِ مَشَاعِرِهِ ... قَالَ لَهَا: كَأَنَّ ابْنًا مُشْتَرَكًا فَلِمَ اتَّخَذْتَ الْقَرَارَ وَحْدَكَ؟». (همان: ۲۶۳)

شایان ذکر است که طلیانی در زندگی مشترک بیش از زینت دچار کجروی می‌شود. این مسأله را می‌توان بر اساس عنصر مشارکت، اینطور تبیین نمود که چون زینت به شدت به امور درس و دانشگاه مشغول است کمتر مجال کجروی دارد اما طلیانی که در ابتدای زندگی شغل خاصی ندارد و بعدها نیز کمتر از زینت درگیر فعالیت است و همراهی لازم را از زینت دریافت نمی‌کند، مجال بیشتری برای کجروی برای او فراهم است.

۲- ۴- ۳. آزار جنسی کودکان

آزار کودکان مسأله‌ای بسیار مهم است که بزرگسالی فرد را به شدت تحت الشعاع قرار می‌دهد. زیرا بر اساس مطالعات انجام شده افرادی که در کودکی مورد آزار قرار می‌گیرند، بیش از دیگران مرتکب کجروی و به ویژه رفتار الکلی می‌شوند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵) آزار جنسی کودکان در رمان حاضر گویا به شکلی هدفمند از جانب نویسنده در داستان قرار داده شده است. این مسأله از آن جهت بارز و مهم جلوه می‌کند که شخصیت اصلی داستان و شخصیت مکمل او (طلیانی و زینت) هر دو مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند، آن‌هم نه به شکل عادی، بلکه یکی از جانب امام جماعت مسجد و دیگری از جانب خانواده. این پدیده در داستان طوری مطرح شده

است که تاثیرگذاری آن بر رفتار شخصیت‌ها و کجروی آن‌ها نمود دارد؛ طوری که ریشه برخی از کجروی‌های شخصیت‌ها می‌باشد. با این توضیح که طلیانی در دوران کودکی از جانب شیخ علّاله، امام جماعت مسجد، مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد: «وَصَّحَ عَلَّالَةُ يَدَهُ عَلَى فَمِ الصَّبِيِّ...» (المبخوت، ۲۰۱۵: ۳۱۸) این حادثه با توجه به سیر داستان در عدم باور طلیانی به شئون دینی تاثیر گذار بوده است و همچنین علت کینه‌ای است که به خاطر آن طلیانی در مراسم تدفین پدرش علّاله را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و باعث آبروریزی می‌گردد. نکته بسیار مهمی که در این قضیه مورد توجه نویسنده است، عدم اهتمام خانواده‌ها در جوامع سنتی به مراقبت از فرزندان در کودکی است که این بی‌مبالاتی گاهی منجر به بروز مشکلاتی برای کودکان می‌شود که تبعات ناخوشایندی را در بزرگسالی در پی دارد. راوی بیان می‌کند: «وَلِلطُّفْلِ فِي عَائِلَاتِنَا مَكَانَةٌ مَلْتَبَسَةٌ لَا تَخْلُو مِنْ مُفَارَقَةٍ. فَهُوَ مِنْ نَاحِيَةِ مَهْمَلٍ عَادَةً مَتْرُوكٌ لِحَالِهِ لَا أَحَدٌ مِنَ الْكِبَارِ يَبْحُثُ عَنْهُ إِذَا انزَوَى أَوْ خَرَجَ لِلْعَبِّ مَعَ أَطْفَالِ الْحَيِّ أَوْ صَعَدَ إِلَى سَطْحِ الْبَيْتِ ... وَهُوَ مِنْ نَاحِيَةِ ثَانِيَةِ مَحَلُّ عِنَايَةِ الْجَمِيعِ إِذَا أَرَادُوا مَلَاعِبَةَ الصَّبِيَّانِ» (همان: ۲۵) ملاحظه می‌شود که عدم توجه خانواده به مراقبت از طلیانی در کودکی و عدم اهتمام به مشارکت کودک در امور به هنجار، او را به دام یک کجروی انداخته است. زیرا اگر مراقبت خانواده بود، او هرگز گرفتار آزار علّاله نمی‌شد.

زینت نیز از جهت آزار جنسی، تجربه بسیار تلخی داشته است. او در سنین کودکی در شبی که مادرش در خانه نبوده از سوی پدر یا برادرش (طوری که خودش از ترس متوجه نشده است) مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد: «... يَدْ عَلِي فَمِهَا تَكْتُمُ أَنْفَاسَهَا تَمْنَعُهَا مِنَ الصَّرَاخِ وَالْأَخْرَى تَلْصُقُ رَأْسَهَا بِالْحَائِطِ حَتَّى تَشَلَّ حَرَكَتُهَا. فَهَمَّتْ أَنْ أَمْرًا مَعِيًّا حَدَثَ. يَا لَلْفَضِيحَةِ ... لَكِنْ مَنْ وِرَاءَهَا؟ أَوْهَا؟ أَوْهَا؟ ... غَابَتْ عَنِ الْوَعْيِ مِنْ شِدَّةِ الصَّدْمَةِ». (همان: ۱۰۸-۱۰۹) این فاجعه بزرگ سبب می‌شود که زینت تمام وابستگی عاطفی خود به خانواده را از دست بدهد و دچار گسست عاطفی (به جز با مادر) شود. همین مسأله، ریشه کجروی‌هایی است که زینت در بزرگسالی دچار آن‌ها می‌شود که ازدواج پنهانی بدون اطلاع به خانواده یک نمونه آن است.

۲- ۴- ۴. طلاق

هرچند طلاق به عنوان یک راهکار مقبول در شرایطی است که هیچ راه حل دیگری نباشد، اما در جوامع سنتی تحت تعالیم اسلامی که طلاق را ناپسند شمرده و تاکید بر قبح آن دارد، (نحوی، ۱۳۹۱: ۷۸) نگاه به این مسأله نگاه به یک خروج از نرم و هنجار است. از همین رو، طلاق که غالباً نتیجه کجروی است، در جامعه سنتی، خود به عنوان یک کجروی تلقی می‌شود. در این داستان نیز رابطه طلیانی و زینت در نهایت به طلاق منجر می‌شود. پر واضح است در رابطه‌ای

که یک‌طرف آن، طلیانی، به زینت خیانت می‌کند و از طرفی هم با عدم همراهی او در زندگی مواجه است و طرف دیگر این رابطه، زینت، به درس و دانشگاه مشغول است و هدفش از زندگی با طلیانی رسیدن به اهداف خاص خود است و او نیز با فردی فرانسوی ارتباط دارد، پایانی جز طلاق انتظار نمی‌رود، مسأله‌ای که در مونولوگ طلیانی در رمان بیان می‌شود: «قَالَ لِنَفْسِهِ إِنَّ عَلاَقَتَهُمَا انْتَهَتْ مِنْذُ مَدَّةٍ فَلِمَ يَحْرُصُ عَلَيَّ اسْتِيقَانِيهَا؟ لَمْ يَعْشَا حَقًّا إِلَّا أَشْهَرًا قَلِيلَةً... وَكُلُّ مَا جَاءَ بَعْدَهُ إِنَّمَا هُوَ بِمِثَابَةِ خَطِّينِ أَحَدُهُمَا مَقْعَرٌّ وَالْآخَرُ مُحَدَّبٌ مَا إِنْ يَلْتَقِيَا حَتَّى يَفْتَرِقَا» (المبخوت، ۲۰۱۵: ۲۸۴). در چنین رابطه‌ای وابستگی عاطفی افراد قطعاً پایین است و هیچ تعهدی نسبت به زندگی زناشویی وجود ندارد. مورد دیگر که در داستان توضیحاتی در مورد آن بیان شده و تبیین آن مورد توجه نویسنده می‌باشد، موضوع طلاق نجلاء است. او بر خلاف میل باطنی و به اصرار مادرش با فردی ثروتمند ازدواج می‌کند: «تَزَوَّجَتْ قَرِيْبًا لَهَا مِنْ عَائِلَةٍ ثَرِيَّةٍ. أَلَحَّتْ أُمُّهَا عَلَيَّ الزَّوْاجِ مِنْهُ». (همان: ۱۸۶) در این ارتباط که با اکراه همراه بوده است وابستگی فرد ناگزیر بسیار کم خواهد بود، خصوصاً به لحاظ عاطفی. این در حالی است که همسر نجلاء از طرفی نیز به شدت تحت اوامر مادرش است و وابستگی زیادی به او دارد: «كَانَ لَا يُدْخِلُ خَيْطًا فِي سَمِّ إِبْرَةٍ إِلَّا بَعْدَ اسْتِشَارَتِهَا». (همان: ۱۸۷) همین امر نیز موجب کاهش وابستگی می‌شود. از اشارات نویسنده به چنین مواردی بر می‌آید که عدم وابستگی نجلاء به همسرش منجر به طلاق او شده است و ارتباطش تنها چند ماه طول کشیده است: «فَتَجَرَّبَتْهُ الْمَرْيُوتُ لَمْ تَدُمْ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ» (همان: ۱۸۷). از طرفی دیگر نبود عنصر تعهد نیز در او کاملاً مشهود است. زیرا ازدواج او به دلخواهش نبوده. این امر بر اساس نظریه کنترل اجتماعی اینطور قابل تبیین است که زمانی یک جایگاه برای فرد تعهدآفرین است که فرد آن را به دست آورده باشد و نخواهد آن را از دست بدهد که در مورد نجلاء مصداق ندارد. نکته دیگری که در این کجروی بر اساس توضیحات راوی در مورد نجلاء، موثر بوده، فقدان عنصر باور در او است. طوری که نجلاء اعتقادی به ازدواج ندارد و آن را مانع آزادی می‌داند، این امر نیز عاملی بوده که او را به سمت طلاق سوق داده است: «أَنَا كَرِهْتُ الزَّوْاجَ... أَنَا الْآنَ أَشْعُرُ بِحَرِيَّةٍ لَنْ تَتَوَقَّرَ لِي إِذَا تَزَوَّجْتُكَ». بنابراین علاوه بر عدم تعهد و وابستگی، فقدان عنصر باور نیز در این مسأله از جهتی موجب کجروی نجلاء شده است.

۲- ۴- ۵. بی بند و باری و میگساری

یکی از واکنش‌هایی که برخی افراد در مواقع سرخوردگی و جدایی از گروه اجتماعی مبادرت به آن می‌کنند میگساری و لذت جویی بی حد و اندازه است. در رمان حاضر شخصیت اول داستان نیز دچار بی بند و باری و شرب خمر و روابط افسار گسیخته می‌شود که در دو برهه از او سر

می‌زند. بار اول زمانی است که متوجه می‌شود زینت اقدام به سقط جنین نموده است. بعد از این ماجرا روابط آن دو کاملاً سرد می‌شود: «لم یُعَد بَيْنَهُمَا فَعْلِيًّا شَيْءٌ يُذَكِّرُ» (المبخوت، ۲۰۱۴م: ۲۷۵) یعنی تعلق عاطفی و وابستگی بینشان بسیار پایین می‌آید. طلیانی در چنین شرایطی به میگساری و بی‌مبالاتی روی می‌آورد: «أَصْبَحَتْ حَيَاتُهُ أَقْرَبُ إِلَى الْبُوهِيمِيَّةِ يَقْضِيهَا بَيْنَ الْحَانَاتِ وَالْمَطَاعِمِ وَفِي بَيْوتِ الْأَصْدِقَاءِ وَالْخَلِيَلَاتِ وَالْمُعْجَبَاتِ... أَصْبَحَتْ النِّسَاءُ عِنْدَهُ إِدْمَانًا كِإِدْمَانِهِ الْخَمْرَةَ». (همان: ۲۶۵) در واقع طلیانی به حدی از فقدان وابستگی و بی‌تعهدی رسیده که گویا دیگر چیزی برایش مهم نیست و چیزی برای او دست دادن ندارد. برهه دیگر بی‌بند و باری طلیانی زمانی است که از زینت جدا می‌شود. او دائم مشروبات الکلی می‌خورد و به فریب زنان مشغول می‌شود: «مَرَّتْ حَيَاتُهُ عَبْدَ النَّاصِرِ فِي مَرَحَلَةٍ مَا بَعْدَ زِينَةَ بَيْنَ الْجَرِيدَةِ... وَبَيْنَ الْحَانَاتِ وَالْمَطَاعِمِ وَصِيدِ الْحَسَنَاتِ وَالْتَّخَطِيطِ لِلْإِقْبَاعِ بَهَنًى... أَصْبَحَ كُلَّ يَوْمٍ يَحْتُ عَنْ طَرِيدَةٍ جَدِيدَةٍ» (همان: ۲۹۱ و ۳۰۰) در این زمان طلیانی غرق در رفتار کجروانه می‌شود. در واقع او اکنون به هیچ‌کسی (گروه اجتماعی) وابستگی ندارد. از طرفی هم هیچ جایگاهی در گروه اجتماعی خود ندارد تا بدان متعهد باشد. در این حالت او خود را آزاد می‌بیند که هر کاری بکند.

نتیجه

با توجه به بررسی کجروی‌های اجتماعی در رمان حاضر بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، نتایج زیر حاصل شده است:

- نویسنده در داستان‌پردازی خود در تبیین کجروی‌های اجتماعی، طوری عمل کرده که مخاطب را متوجه علل و اسباب انحرافات شخصیت‌ها می‌نماید. در واقع او در روایت انحرافات در صدد آسیب‌شناسی آن‌ها است تا اینکه مخاطب نسبت به آن انحرافات در زندگی واقعی آگاه شود.

- برقراری روابط پنهانی و خیانت، بارزترین انحرافی است که در این رمان مشاهده می‌شود. این کجروی در همه موارد در شرایطی اتفاق افتاده است که فضای ملتهب خانواده و روابط بیمارگونه حاکم بر آن، فرد را به سمت این کجروی سوق داده است. نویسنده در این راستا به شکلی غیر مستقیم به جایگاه خانواده خصوصاً از لحاظ پیوند عاطفی اهتمام دارد. زیرا در انحرافات شخصیت‌ها، همه آن‌ها به نحوی از خانواده ضربه دیده‌اند و دچار گسست عاطفی از آن هستند.

- در میان عناصر چهارگانه پیوند فرد با جامعه در نظریه هیرشی، دو عنصر وابستگی و تعهد در کجروی شخصیت‌ها و عدم التزام آن‌ها به قیود اجتماعی بیشترین تاثیر را دارد که در این میان سهم وابستگی عاطفی بسیار چشمگیر است.

- عواملی از قبیل روابط متشنج فرد با اعضای خانواده، عدم توجه خانواده به فرد خصوصا بین زوجین، عدم همراهی خانواده با فرد در مشارکت او در امور صحیح، ازدواج بر خلاف میل باطنی، مسائل زمینه ساز بسیاری از کجروی‌ها به عنوان آسیب‌های اساسی در جامعه هستند.

- در مسأله آزار جنسی کودکان که گاه مورد غفلت جامعه است، نویسندگان با توجه ویژه به این مسأله، به خوبی نشان می‌دهد که چنین آسیب‌هایی در دوران کودکی، می‌تواند اساس بسیاری از کجروی‌ها در بزرگسالی باشد. آسیب‌هایی که گاه باعث گسست فرد از ارزش‌های جامعه نیز می‌شود.

منابع عربی

- المبخوت، شکری. (۲۰۱۴م)، الطلیانی، الطبعة الأولى، تونس: دار التنوير للطباعة والنشر.
- المعاينة، خالد سلطان موسى. (۲۰۲۱م)، «مؤشرات الرابطة الاجتماعية عند هيرشي وعلاقته بالحد من الجريمة في المجتمع الأردني»، *مجلة التربية*، جامعة الأزهر، العدد ۱۹۰، الجزء ۱۰۵، ص ۲۵۶-۲۸۷.
- سعدوني، خولة؛ رحمة قعقاع. (۲۰۱۸م)، «صراع الأفكار في رواية الطلياني لشكري المبخوت» تحت إشراف سعيده حمداوي، جامعة العربي بن مهيدي أم البواقي، الجزائر.
- عبد الرحمن، سالم خالد. (۲۰۰۰م)، *نظرية الضبط الاجتماعي في الإسلام*، الطبعة الأولى، الرياض: د.ن.
- مشري، زبيدة؛ إلياس شرفة. (۲۰۱۷م)، «النماذج النظرية المفسرة للضبط الاجتماعي»، *مجلة آفاق للعلوم*، جامعة زيان عاشور الجلفة، العدد ۷، ص ۲۸۳-۲۸۹.
- يحي، رندة. (۲۰۱۶م)، «عنف اللسان في رواية الطلياني لشكري المبخوت دراسة في ضوء نظرية الأنساق الثقافية»، تحت إشراف مراد قفي، جامعة محمد بوضياف المسيلة، الجزائر.

منابع فارسی

- باوان پوری، مسعود و همکاران. (۱۳۹۸)، «نشانه‌شناسی ارتباط غیر کلامی در رمان الطلیانی اثر شکری المبخوت» *لسان مبین*، سال ۱۱، شماره ۳۸، صفحه ۱-۲۲. DOI: 10.30479/lm.2019.11499.2859
- برتنس، هانس. (۱۳۸۷)، *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی، چاپ دوم، تهران: ماهی.
- تاجریان، علیرضا. (۱۳۹۴)، *نگاهی جامعه‌شناسانه به کنترل اجتماعی در جامعه، مجله اجتماعی عرصه*، Nasour.net/1394.11.03/865.html
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۵)، *آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ هفتم، تهران: آوای نور.

- سلیمی، علی؛ محمد داوری. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی کجروی*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله. (۱۳۸۵)، *آسیب شناسی اجتماعی*، چاپ دوم، تهران: آن.
- قلیچ پاسه، آشور و همکاران. (۱۴۰۱)، «بررسی مؤلفه‌های جنسیت در رمان الطلیانی شگری المبخوت از دیدگاه کاترین حکیم»، *لسان مبین*، سال ۱۳، شماره ۴۸، صفحه ۸۵-۱۰۷. Doi: 10.30479/lm.2022.16558.3334
- کوزر، لوئیس؛ برنارد روزنبرگ. (۱۳۹۱)، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- مشکانی، محمد رضا؛ زهرا سادات مشکانی. (۱۳۸۱)، «سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۳-۲۵.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، چاپ اول، تهران: انتشار.
- نحوی، سیف الله. (۱۳۹۱)، *نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات*، چاپ دوم، قم: نور السجاد.
- هلاکویی، فرهنگ. (۱۳۵۶)، *جامعه امروز*، جلد ۱، چاپ اول، تهران: بی نا.



دراسة الانحرافات الاجتماعية في رواية الطلياني لشكري المبخوت في ضوء نظرية الضبط الاجتماعي لهيرشي

فاطمة برجكاني^١، سلمان آزمون علي آباد^٢

^١ أستاذة مشاركة، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.

^٢ طالب الدكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تعدّ دراسة الانحرافات الاجتماعية قسماً من أهمّ الدراسات في علم الاجتماع وهي تدرس انحراف الأشخاص من المعايير الاجتماعية. قد تشكّلت نظريات مختلفة لدراسة الانحرافات الاجتماعية ومن أهمّها نظرية الضبط الاجتماعي لهيرشي الذي يعتقد أنّ الانحراف ناتج من ضعف العناصر التي تمنع من الانحرافات ضعفاً يؤدي إلى ابتعاد الأشخاص عن المجتمع وانقطاعهم منه. اليوم تُظهر الروايات الاجتماعية كثيراً من الجرائم والانحرافات لقارنها بتبيين واقع المجتمع. رواية الطلياني لشكري المبخوت، التي فازت بجائزة البوكر العربي سنة ٢٠١٥م، رواية أظهرت عدّة من الانحرافات الموجودة في المجتمع الذي تتحدّث عنها. المقالة هذه تطرقت إلى دراسة الانحرافات الاجتماعية في رواية الطلياني على أساس نظرية الضبط الاجتماعي لهيرشي معتمداً على المنهج الوصفي- التحليلي وانجازات النظرية المذكورة لتُظهر أسباب الانحرافات وعواقبها في الرواية وفي المجتمع. حصلت الدراسة على أنّ هناك انحرافات مثل: التعاملات العنيفة، والخيانة، والطلاق، وشرب الخمر تنبعث من ضعف عنصر التعلّق (عاطفياً) وفقدان عنصر الالتزام حسب المؤشرات الأربعة في نظرية هيرشي. والعلاقات المتوترة بين الفرد والعائلة هي أهمّ الأسباب لانقطاع الفرد من المجتمع وانحرافه. يهدف الكاتب تبيين المجتمع من خلال الاهتمام بقضايا العائلة والقضايا المغفولة منها مثل التحرش الجنسي بالأطفال لكي يبيّن تأثيره على الجرائم عند الكبار.
تاريخ الوصول: ١٤٤٦/٠٧/١٦	الكلمات المفتاحية: الانحرافات الاجتماعية، نظرية الضبط الاجتماعي لهيرشي، شكري المبخوت، رواية الطلياني.
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٨/١٨	

الاقْتباس: برجكاني، ف. آزمون علي آباد، س. (١٤٤٦). دراسة الانحرافات الاجتماعية في رواية الطلياني لشكري المبخوت في ضوء

نظرية الضبط الاجتماعي لهيرشي، مقالة محكمة، السنة ١، العدد ٢، صص ٢٤٩-٢٧٢.



DOI: 10.22034/jisall.2025.517453.1067

حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

Sociological investigation of social deviations in Al-Teliani novel based on Hirschi's theory of social control

Fatemah Parchekani, Associate Professor in Arabic Language and Literature,
Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Salman Azmoon Ali Abad, (corresponding author): PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: salman@khu.ac.ir

Introduction

The issue of social deviations in sociological studies has always been the focus of sociologists. What are the causes of perversions and non-adherence to society's values, or where do perversions originate from, are questions that various views have been formed to answer. One of them is the view of functionalism. Instead of paying attention to oneself, this perspective pays attention to the society and seeks to discover the origin of deviations in the society. In line with this view, theories have been formed, of which Hirschi's theory of social control is one of them. The theory of social control states that the application of social control on people will make them conform to the society and prevent deviations. According to Hirschi, any deviation in the society is due to the gap that happened between the individual and the society, which can be examined at different levels. In the field of literature, nowadays novels, especially social and realistic novels, reflect many social issues and deviations. These types of novels are somehow seeking the pathology of society through the reflection of prominent issues in society; Because the novel is able to represent life with all its ups and downs due to its wide field of vision and dealing with its facts and details. In the meantime, Al-Teliani's novel, the winner of the 2015 Arab Booker Prize, written by Shukri Al-Mabkhout of Tunisia, as a social and realistic novel, clearly represents the perversions of the individual in the target society, Tunisia; So that the first character, Teliani and other important characters in the story are somehow deviating from society's norm, This issue is due to their lack of connection or weak connection with the society. This article examines the social deviations in Al-Teliani's novel with the aim of knowing them and finding out their factors and consequences, In this way, he can provide a correct understanding of the deviations in the real world of life in the society.

Methodology

The present research, relying on the descriptive-analytical method and library studies and using the findings of Hirschi's social control theory, examines the social deviations in Al-Teliani's novel. So that first the deviations of the characters are stated during the story and their causes are

also explained in the events of the story and then the consequences of the deviations for the characters of the novel are mentioned.

Results and Discussion

Al-Teliani's novel expresses social deviations. So that all the main characters of the novel are somehow involved in deviance. The most important deviations in this story include things such as: disrespect, betrayal, divorce, promiscuity, sexual abuse of children. In this story, the author has tried to first show the perversions of the characters to the audience and explain the causes of the perversions by telling the important events of people's lives. In fact, in the narrative of deviations, the author aims to pathologize them so that the audience becomes aware of those deviations in real life. Among the four elements of the connection between the individual and the society in Hirschi's theory, the two elements of Attachment and commitment have the greatest impact on the deviation of personalities and their non-compliance with social constraints, In this, the contribution of emotional dependence is very significant. Although in the explanation of some deviations, the element of participation also has a significant contribution in the formation of deviations and the preparation of space for deviation.

Conclusion

Establishing secret relationships and betrayal is the most obvious deviation that can be seen in this novel. In all cases, this perversion has happened in a situation where the inflamed atmosphere of the family and the pathological relationships that govern it have pushed the person towards this perversion. In this regard, the author indirectly pays attention to the position of the family, especially in terms of emotional connection. Because in the deviations of the characters, all of them have been hurt by the family in some way and have an emotional gap from it. Factors such as a person's tense relationship with family members, the family's lack of attention to the person, especially between spouses, the family's failure to accompany the person in his participation in the correct affairs, marriage against the inner desire, are the issues that have formed many deviations. These issues are considered as basic harms in the society. In the issue of sexual abuse of children, which is sometimes neglected by society, the author pays special attention to this issue and shows well that such injuries in childhood can be the basis of many deviations in adulthood. Injuries that sometimes cause a person to break away from society's values. The most important issue that plays a very effective role in the emergence of all perversions in the story is the position of the family in the formation of perversions; With special attention to this issue, the author aims to highlight the role of the family in the social control of people.

References

- Al-Mabkhout, S. (2014). *Al-Talyani* (1st ed.). Tunis: Dar Al-Tanweer for Printing and Publishing. {In Arabic}
- Al-Maaytah, K. S. M. (2021). Indicators of Hershey's social bond theory and its relationship to crime reduction in Jordanian society. *Journal of Education, Al-Azhar University*, 190(105), 256–287. {In Arabic}
- Bertens, H. (2008). *Fundamentals of literary theory* (M. R. Abolghasemi, Trans.; 2nd ed.). Tehran: Mahi. {In Persian}
- Bawanpouri, M., et al. (2019). Semiotics of nonverbal communication in the novel *Al-Talyani* by Shokri Al-Mabkhout. *Lisan Mobin*, 11(38), 1–22. doi.org/10.30479/lm.2019.11499.2859 {In Persian}
- Coser, L., & Rosenberg, B. (2012). *Fundamental sociological theories* (F. Ershad, Trans.; 5th ed.). Tehran: Nashr-e Ney. {In Persian}
- Gholich Paseh, A., et al. (2022). Examining gender components in Shokri Al-Mabkhout's novel *Al-Talyani* from Catherine Hakim's perspective. *Lisan Mabin*, 13(48), 85–107. https://doi.org/10.30479/lm.2022.16558.3334 {In Persian}
- Hahlakoui, F. (1977). *Today's society* (Vol. 1; 1st ed.). Tehran: Publisher Unknown. {In Persian}
- Meshri, Z., & Sharfa, E. (2017). Theoretical models explaining social control. *Horizons of Science Journal, Ziane Achour University of Djelfa*, 7, 283–289. {In Arabic}
- Meshkani, M. R., & Meshkani, Z. S. (2002). Measuring the impact of internal and external family factors on juvenile delinquency. *Iranian Journal of Sociology*, 4(2), 3–25. {In Persian}
- Momtaz, F. (2002). *Social deviance: Theories and perspectives* (1st ed.). Tehran: Enteshar. {In Persian}
- Nahooy, S. (2012). *The role of the family in preventing deviance* (2nd ed.). Qom: Noor Al-Sajjad. {In Persian}
- Saadouni, K., & Kaka, R. (2018). Conflict of ideas in Shokri Al-Mabkhout's novel *Al-Talyani* [Supervised by S. Hamdawi]. University of Arabi Bin Mhidi, Algeria. {In Arabic}
- Sedigh Sarvestani, R. (2006). *Social pathology* (2nd ed.). Tehran: An. {In Persian}
- Selimi, A., & Davari, M. (2006). *Sociology of deviance* (2nd ed.). Qom: Research Institute of Hawza and University. {In Persian}
- Setoudeh, H. (2006). *Social pathology: Sociology of deviance* (7th ed.). Tehran: Avaye Noor. {In Persian}
- Tajarrian, A. (2015). A sociological look at social control in society. *Social Arena Journal*. Retrieved from <http://nasour.net/1394.11.03/865.html> {In Persian}

- Yahya, R. (2016). Verbal violence in Shokri Al-Mabkhout's novel *Al-Talyani*: A study in light of cultural systems theory [Supervised by M. Qofi]. University of Mohamed Boudiaf, Algeria. {In Arabic}
- Abdul Rahman, S. K. (2000). *The theory of social control in Islam* (1st ed.). Riyadh: Publisher Unknown. {In Arabic}